

174908 - شرح این دعای پیامبر . صلی الله علیه وسلم . که «از تو به تو پناه می برم»

سوال

از شما خواهشمندم معنای این جمله که «از تو به تو پناه می برم» در این دعای سجده پیامبر . صلی الله علیه وسلم . را شرح دهید که می فرماید: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»** (خداوندا من از خشمت به خشنودی ات پناه می برم، و از مجازاتت به گذشتت، و از تو به تو پناه می آورم، نمی توانم ستایش تو را در شمار آورم، تو چنانی که خود ستایش خود را گفته ای).

پاسخ مفصل

این حدیث را مسلم در صحیح خود (۷۵۱) از عایشه . رضی الله عنها . روایت کرده که می فرماید: شبی رسول الله . صلی الله علیه وسلم . را در بستر نیافتم، پس او را جستم، پس دستم پشت پای او را که در محل نمازش [در حال نماز] بود لمس کرد در حالی که می فرمود: **«اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»** (خداوندا من از خشمت به خشنودی ات پناه می برم، و از مجازاتت به گذشتت، و از تو به تو پناه می آورم، نمی توانم ستایش تو را در شمار آورم، تو چنانی که خود ستایش خود را گفته ای).

مناوی . رحمه الله . می گوید: «و از تو به تو پناه می برم، یعنی از عقوبت تو به رحمت تو پناه می آورم؛ زیرا آن چه از آن پناه می برد از جمله مشیت و آفریده است و و به اجازه و قضای او رخ می دهد، بنابراین اسبابی را که از آن بهره برده می شود بنابر خلقت و ایجاد او به وجود آمده اند و اوست که از این اسباب به وی پناه برده می شود و به واسطه خلقت و ایجاد اوست که شر آن از انسان دور می گردد» (۱۷۶/۲).

این قیم . رحمه الله . می گوید: «و از تو به تو پناه می برم»، این جا از صفت خشم [الهی] به صفت خشنودی او پناه می برد و از فعل مجازات [الهی] به فعل عافیت او پناه می برد، و از دو جهت به او پناه می برد، گویا در پناه بردن به او هر دو امری که در دو جمله پیشین به تفصیل بیان کرده را یکجا بیان می کند؛ زیرا پناه بردن از او به معنای سخنی که قبل از آن گفته باز می گردد و در عین حال نکته بسیار با ارزشی را در خود دارد که همان کمال توحید است زیرا آن چه پناه آورندگان به آن پناه می برند و از آن می گریزند از فعل خداوند و مشیت و تقدیر اوست، چرا که تنها اوست که حکمرانی را در دست دارد و هرگاه برای بنده ای اراده بدی کند از آن پناهی نیست جز خودش، زیرا اوست که آن چه بنده دوستش ندارد را اراده کرده و اوست که دور ساختن آن چیز از بنده را اراده می کند، بنابراین از جهت دو اراده به او پناه برده می شود:

﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾ [يونس: ۱۰۷]

(و اگر الله به تو زبانی برساند آن را برطرف کننده‌ای جز او نیست).

زیرا اوست که زیان می‌رساند و اوست که زیان را برطرف می‌سازد، معبودی به حق جز او نیست، راه‌گریزی از او نیست جز به سوی او و پناهگاهی از او نیست جز خود او و همچنین از او استعاضه می‌شود؛ زیرا پروردگار و مدبری برای بنده نیست جز او، چرا که اوست که او را به حرکت می‌دارد و هر طور که بخواهد زیر و رویش می‌کند» (طریق‌الهجرتین و باب السعادتین: ۴۳۱/۱).